کتابخانه ایرانیان شهر هانوفر
Iranische Bibliothek in Hannover
1985

توفان
۱۱۳
دوره سوم
ارگان سازمان مارکسیستی توفان

شکوفه‌هائی که نشکفته پرپر میشوند

در ایران تبع بر تخیم از کار نمیافتد و پیوسته قربانی می‌ـــ
وتازه‌ئی میگیرد . شاه سیبیت و وحشیگری را بدرجه‌ای رسانیده
که حتی از آدمکشان حرفه‌ای هم انتظار نمیرود . فقط شاه و شبکه
گرانش که در یکسب آدم کشی امپریالیسم آمریکا تربیت یافته‌اند میتوا
مانند حیوانات درنده گرسنه روز ازین ، مادر را زنده زنده ، جلو او
و سایر جانیان نشانند . در هیچ جائی از جهان زنان و مادران
را با این درندگی بخوبی در روی و خیابانها بقتل نمیرسانند یا بدوبه
اعدام نمی بندند . این زنان و دختران قهرمان جان میبازند تا
برای نوه‌های زحمتکش میهن ما و از آنجمله برای زنان ایران آزادی
واقعی به ارمغان آورند . این زنان و دختران که منادی واقعی
آزادی‌اند نه آن عروسک های رنگ و روغن زده که بعلت
اینکه ندیمه شاه یا فرح اند و در مشیب دربار پست و فاسد قوت و
فن دست بوس و کرنش آموخته اند به مقام وزارت و وکالت میرسند .
خلق های ایران نام این زنان قهرمان را هرگز از یاد نخواهد برد
و ارزش آن "آزاد زنان" درباری و کل و وزیر و نخست وزیر یاد خواهد کرد .
درود ما به روان پاک همه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران !

با زهم چند تن از فرزندان قهرمان با کبار لوله در خاک و
خون غلتیدند . این جوانان که خون آنها بیهوده ریخته میشود
همه شیفتگان و یاران راه آزادی را غرق در ماتم و اندوه میسازد
این غم و اندوه نه تنها به این خاطر است که ما رفقا ی عزیز و همسنگر
خود را از دست میدهیم . هیچ مبارزه‌ای ، هیچ نبردی بدون قربانی
امکان پذیر نیست بدون قربانی پیروزی بدست نمیاید ، بلکه بخاطر
آن دیرگاه است که این همه قربانی بیهوده است و میتوان و باید از
آن اجتناب ورزید . آن کسانی که خود در جای امن متمرکزند و
آسوده خاطر و ایمن زندگی میکنند ولی این جوانان قهرمان
را به ادامه راه غلط و ریختن خون خود تشویق میکنند ، آن شا
که با پول و وسائلی که در اختیار دارند میتوانند جوانان میهن ما را
به بیراهه می کشانند که فرجام آن همین است که در برابر چشم
ما است این کسان در مرگ نابهنگام این جوانان مسئولیت
سنگینی بر عهده دارند . اکنون از آغاز مبارزه چریکی شش سال
میگذرد . تراژدیانه این مبارزه از دست رفتن صدها انقلابی باک
ارزش است که در دوره راهی گام گذاشته اند که پایان جزمرگ
هم انگیز نیست بدون آنکه هیچ فایده‌ای براین جانبازی و حماسه
ریسکی متصور باشد .

نیروهای انقلابی در حال حاضر از جمیع جهات ضعیف اند
و در چنین حال در برابر دشمنی قرار گرفته اند که تا بدندان مسلح
است و آماده است هر جنبشی را از حرکت و رفتن باز دارد .
در چنین تناسب قوائی شرط عقل ، شرط حزم و احتیاط نیست
که نیروهای اندک و آزموده را با تجهیزاتی ناچیز بجنگ دشمن
نیرومند فرستاد . نتیجه چنین تاکتیکی جز نابودی کامل نیروها
انقلابی نیست . برای ارتش و پلیس و سازمان امنیت شاه از دست
رفتن چند ده یا چند صد تن ضایعه بزرگی نیست ولی برای
نیروهای انقلابی بویژه در آغاز کار ، هر رزمنده‌ای که بر خاک می افتد
سرمایه بزرگی است که از دست میرود . چرا نباید به این سرمایه
اندیشید ؟ چرا باید پس از چندین سال تجربه باز هم براهی رفت
که به بن بست میرسد ؟ چرا باید برای ادامه چنین راهی به
" تئوری "های بی پایه و ساختگی و خلاف واقعیت توسل جست ؟

این جوانان انقلابی که مانند شکوفه‌های نشکفته‌ای پرپر
میشوند با خصائل انقلابی خود چه خدمات گرانبهائی که میتوانند
به جنبش انقلابی ایران بکنند ، چه سهم بزرگی که میتوانند در
این جنبش برعهده گیرند . این مطلب ساده را همه مبارزان
می فهمند بالااقل از تجربه مبارزه چریکی این درس را آموخته‌اند
رفقای دانشجو چه میگویند : یوسف زرکارها ، جلیل انفرادی ها
اسکندر صادقی نژاد ها پرولتر های قهرمانی بودند که وجود شان
در صفوف طبقه کارگر ، در رهبری مبارزات ، بقیه در صفحه ۲

مبادلات تجارتی ایران

شاه ، این "عجوبه قرن بیستم" ، بهنگام افتتاح چهارمین
نمایشگاه بین المللی تهران بار دیگر صادرات ۳۰ الی ۴۰
میلیارد دلاری صحبت کرد که قسمت اعظم آنرا باید کالاهای صنعتی
تشکیل دهد . تایکی دو سال پیش صحبت از این بود که ظرف
بیست سال صادرات ایران به بیست میلیارد دلار بالغ گردد برای
آنکه جای درآمد نفت را که دیگر تا آخرین قطره بتاراج رفته میگیرد .
اما اکنون صحبت از ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلار صادرات است آنهم
صادرات کالاهای صنعتی !

شاه این سخنان یاوه را در زمانی میگوید که صادرات ایران را
بشدت رو بکاهش است . کشور ما هیچوقت صادرات صنعتی بجز
فرش نداشته است . اما اکنون نه تنها صادرات فرش دستخوش
نقصان و ورشکستگی است بلکه کالاهای سنتی صادراتی سرزمانند
کشمش و زیره و برگ زرد آلو و سبزی و . . . هم بطور مطلق و هم نسبت
به واردات روز بروز سقوط بیشتری میکند .

در گذشته‌ای نه چندان دور ایران بزرگترین صادر کننده
فرش بود و فرش های مرغوب ایران که با سرانگشت ظریف اطفال
فقیر بافته میشد خریداران فراوان داشت . حالا کشورهائی
مانند افغانستان ترکیه هند و پاکستان بازارهای فرش ایران را
تصرف کرده اند و مطبوعات با عجز و ناتوانی مینویسند که فرش
ایران قدرت رقابت با فرشهای این کشورها را ندارد و در نتیجه
" صادرات آن روند نزولی پیدا کرده است و در اثر رویه تحلیل میرود "
بدینسان به اعتراف مقامات رسمی ایران این تولید سنتی ایران
رو به تعطیل و نابودی است .

نقصان تولید در مورد محصولات کشاورزی صادراتی نیز
صادق است " در سال جاری (۱۳۵۵) میزان محصول برخی
از انواع کالاهای سنتی کاهش پیدا کرده است " و " از سوی دیگر
نمیتوان اطمینان کرد که صد و فرآورده های کشاورزی و چند بار در
سالهای آتی بمراتب از سالهای گذشته بهتر و بیشتر گردد " . میبینید
که همان صادرات سنتی کشاورزی هم بعلت اجرای سیاست امپریا-
لیسم در ایران بتدریج کاهش مییابد بقسمی که ایران همین محصو
کشاورزی را مجبور است از خارج وارد کند . " صادرات ایران هنوز
قائم به کالاهای سنتی است و کالاهای سنتی خود مواجه با مشکلاتی
شده است " (تهران اکونومیست شماره ۱۱۶۷) .

شاید تولید کالاهای صنعتی افزایش یافته است که شاه را
نسبت به آینده خوشبین میدارد . اما تهران اکونومیست سیاه
بروی سفید مینویسد : " تولید کالاهای صنعتی نیز در سالهای اخیر
در رجازده و نتوانسته است جوابگوی نیازهای داخلی باشد چه رسد
به اینکه بازاری برای صدور داشته باشد " (همان شماره) .

بنابراین در زمان موقع که شاهنشاه " خواب صادرات
۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلاری می بیند صادرات ایران حتی صادرات
سنتی کشاورزی دچار کاهش و بحران است . شاه وعده صادرات
ده ها میلیارد دلاری میدهد در حالی که تولید در ایران بعلت
خرابکاری درکاران از جانب زمامداران رژیم پوسیده روبه قهقرا
میرود . رژیم شاه هیچ اقدامی برای بالا بردن و تشویق صادرات
بعمل نیاورد برعکس اقدامات او در جهت ایجاد موانع و مشکلات
بر سر راه صادرات است . بهانه برای این عدم توجه بصادرات
درآمد هنگفت نفت است . در حال حاضر چون درآمد نفت ارزان
و ارز مورد نیاز کشور از فروش وجود آن تامین میگردد و نیز تا رژیم
هرچه کمبود داشته با تسهیم از خارج وارد کیم " و یکنیازی گویا به
صادرات نیست .

در واقع سیاست تقلیل صادرات و تولید سیاستی آگاهانه
و تعمدی است و نه ناشی از این یا آن نقصان کار . تهران اکونومیست
مینویسد : " باید قبول کنیم که متاسفانه تمام جریانها در جهت تنزل
واردات در حرکت اند . حتی ترازنامه نمایشگاه های بین المللی
نشان میدهد که برخلاف هدف اصلی این نمایشگاه ها قسمت
اعظم این معاملات روی واردات است . لذا ادامه این سیاست
و این فلسفه موجب تقلیل صادرات و تولیدات داخلی و بالا رفتن
قیمت ها و تقلیل رشد اقتصادی خواهد شد " . و این درست آن
چیزی است که مورد نظر امپریالیسم است .

امپریالیسم باید آنچه را که باید بدست میدهد باز پس
دیگر باز ستاند . به این سیاست امپریالیستی ، سیاست حفظ
و دوام رژیم شاه و صیانت آن از گزند همه بقیه در صفحه ۲

هر لحظه بشکلی بت عیار درآید

در اردو سته " رویزیونیست های ایرانی جندی است " وظیفه " مبرم " دفاع از آزادیهای دموکراتیک را رها کرده و سیفک و سخت بسته
" ایجاد جبهه " ضد دیکتاتوری " چسبیده اند . و آنهم با غلط " مبرمترین وظیفه " همه " مخالفان استبداد محمد رضا شاه " مینامند . آنها با اله
سرمید هند کمیرو های میالف رژیم اکبر به دعوت آنها لبیک نمیکنند و با آنها بیعت نمیکنند بعلت " روحیات سکتاریستی " است که دست
و پای آنها را می بندد و آنها را از قدرت و تحرک و ابتکار ساقط میکند " برای ایجاد نیروهای مخالف رژیم و اجبار آنها به پیوستن به " جبهه
ضد دیکتاتوری " خواست مردم ایران را به رخ این نیروها میکشند . گویا " مردم ایران با قاطعیتی هرچه تمامتر از نیروهای ملی و مترقی شور
می طلبند " که پشت سر رویزیونیست ها را ، بیفتند و یکراست طوق بردگی روسیه را بگردن بگیرند .

شعار " جبهه " ضد دیکتاتوری " انقلاب ایران را لااقل بدو مرحله تقسیم میکند : نخست مرحله " ضد دیکتاتوری که طی آن باید همه
با بخشی از طبقه حاکمه مخالف با دیکتاتوری سلوی برانداختن دیکتاتوری محمد رضا شاه رفت و پس از تحقق این مرحله شاید بتوان مرحله
انقلاب ملی و دموکراتیک را آغاز کرد .

این " تئوری " مراحل انقلاب از زمره " دستاورد " های رویزیونیست ها است . این مردمان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته
که بنا بر لنین در آستانه انقلاب سوسیالیستی قرار دارند هرگز انقلاب را دستور کار خود قرار نمیدهند . آنها بر آنند که برای رسیدن
به مرحله " انقلاب سوسیالیستی باید مراحلی را از سر گذراند مثلا ابتدا با بخشی از بورژوازی امپریالیستی که آن بخش که در تضاد با
انحصارهای بزرگ است بسوی " دموکراسی پیشرفته " رفت و سپس اگر شرایط نوین مرحله تازه‌ای را برای انقلاب پیش نیاورد میتوان در
باره انقلاب سوسیالیستی اندیشید . گروهی نیز بر آنند که انقلاب سوسیالیستی در این کشورها در دنیای معاصر از انقلاب بخاطر " استقلال
ملی " میگذرد . نخست باید همراه با بورژوازی امپریالیستی علیه دشمن متجاوز خارجی جنگید . " استقلال ملی " را تامین کرد آنگاه
بسوی انقلاب سوسیالیستی رفت . در همه انقلاب سوسیالیستی به آینده موکول میشود و بورژوازی همچنان در قدرت میماند . رویزیو
نیسم هم چیزی جز این نیست . رویزیونیسم هیچگاه سرنگونی بورژوازی را هدف نمیگیرد . او به انواع حیل از آن طفره میرود در عین
اینکه به " تئوری " های خود حصلت " علمی " میدهد . شعار " جبهه " ضد دیکتاتوری " رویزیونیست های ایرانی نیز در چارچوب " تئوری "
" انقلاب طی کلیه مراحل مختلف است .

" جبهه " ضد دیکتاتوری " در اردو سته " کمیته مرکزی " چیست و چه هدفی را دنبال میکند ؟

شرایط عینی جامعه ما نیروهای انقلابی را وادار به انقلاب ملی و دموکراتیک میکند . ایران در آستانه انقلاب دموکراتیک نوین
است اما برای رویزیونیست های ایرانی مسئله انقلاب مطرح نیست ، مسئله سرنگون ساختن طبقه حاکمه وابسته به امپریالیسم و انتقال
قدرت بدست خلق و سپس برانداختن همه پایگاه های امپریالیسم و ریشه کن کردن نفوذ آن در دستگاه دولتی نیست . برای آنها انقلاب
دموکراتیک ملی مرحله‌ای است که بعد خواهد آمد . اکنون باید دیکتاتوری شاه را برانداخت . برانداختن دیکتاتوری البته نه مستلزم
برانداختن سلطنت است که مغایر با " قانون اساسی " است و این مردمان سالها مبارزه در چارچوب قانون اساسی را به همگان تبلیغ
و توصیه کرده اند و نه مستلزم بیرون آوردن قدرت از کف طبقه حاکم وابسته به امپریالیسم . باید مبارزه کرد تا دیکتاتوری به دموکراتیک
بدل شود بدون آنکه به تزلزل طبقه حاکمه دست بخورد . بدون آنکه سلطه امپریالیسم در ایران گزندی به بیند . یعنی محمد رضا شاه
جانی نیز میتواند بر تخت سلطنت بماند با حداکثر یکنفر جای او را بگیرد ، آنگاه در شرایط " دموکراسی " میتوان بساط خود را پهن کرد و از
" شاه مرغی " هزار و یک حقه و نیرنگ بیرون کشید و به مطامع سوسیال امپریالیسم شوروی جامه عمل پوشید . " در واقع شعار " جبهه " ضد
دیکتاتوری " این اردو سته بعنوان " مبرمترین وظیفه " طعنه شعار مبارزه بخاطر " آزادیهای دموکراتیک " بقیه در صفحه ۲

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همهٔ شهیدان !

هرلحظه بشکلی بت عیار در آید . بقیه ازصفحه ۱

است که بشکل دیگری در آمده است منتها این بار با بکارگرفتن اصطلاح مهیب " دیکتاتوری " خواسته اند نیروهای مخالف رژیم را جلع سلاح کنند و آنها را به تسلیم وادارند .

ترکیب این " جبهه " کدام است ؟

رویزیونیست ها از نیروهای مخالف رژیم صحبت میکنند بدون آنکه آنها را مشخص کنند . اگرمنظور " جبهه " ملی است که این " جبهه " نوشته خود رویزیونیست ها مدتی است در " جبهه " آنها ادغام و مستحیل شده است ! اگرمنظور نیروهای " مائوئیستی " هستند که رویزیونیستها چونحنانه دیری است ازآنها روی گردانیده اند و جائی در " جبهه " برای آنها نیست . بالاخره اگر منظور چریکهای ایرانند که آنها نیز بعباوس " تروریست " ، " آوانتوریست " ، " ملهم از سازمان امنیت " و نظائر آنها در " جبهه " ضد دیکتاتوری " جائی برای خود می یابند و بعد وه همه این نیروها ماهیت دارودسته " کمیته مرکزی " را بارشا حته وآنها را در صفوف دشمنان خلق جای داده اند . روشن است که اصوسها و مزدورهای رویزیونیست ها در آنها تاثیری نمی جنبند . از طبقات کارگرو دهقان هم که مطلقا نامی درمیان نیست .

واقعیت اینست که نیروهای مخالف رژیم برای این مردمان مضر است و بدنوده های مردم ناراضی . آن نیروهائی که میتوانند در " جبهه " ضد دیکتاتوری " پرشار رویزیونیست ها قرارگیرند عبارتند از آن " گروه هائی از طبقه حاکم که تاحدی بین پشتیبان رژیم بودند واکنون تااحساس فشار رویزه عواقب وخیم سیاست ماجراجویانه رژیم حساب خود را ازمحمد رضاشاه جدا میکنند " یعنی بخشی ازبورژوازی وابسته به امپریالیسم که نتیجه حکومت شاه را نمی پسندد . این بورژوازی " از خود سئوال میکند که آیا وقت آن نرسیده است که آمریکا از پشتیبانی بیچون و چرای رژیم ماجراجوی شاه امران دست بردارد ؟ "

اما دیدگاه این بخش ازبورژوازی که حساب خود را جدا میکند " وجیه اعتراضی و عدم رضایت مردم در داخل ارتش نیز منعکس میگردد . افسران عالی رتبه ای ازقشار بختیار شاید وجود دارند که میخواهند جای شاه را بگیرند . حال کار هم همین جاست . این بخش از بورژوازی وافسران " ناراضی " در صحنه " بین المللی از پشتیبانان بیرومندی برخوردارند که رویزیونیست ها با آنها بطورغیرمستقیم در ارتباط اند . " واقعیت اینست که پایگاه رژیم ماجراجو ومیلیتاریستی شاه درخارج از کشور ، درجهان امپریالیستی نیز بادگرگونی هائی مواجه گردیده و بخشی ازرجال سیاسی آمریکا درحمایت ازشاه دچاردید ونزاع گردیده اند " می بینید که نیروهای محرکه " انقلاب ضد میگنا توری " از چه قشار مردمانیست .

خال تمام این مطالب را که از مجله " دنیا " (شماره ۱ شهریور ۱۳۵۰) اقتباس شده ، ناصدای بلند ولی پس از یکروز تکلامه کنید خواهید دید که همان نغمه " کودتای نظامی باحمایت خارجی " بفرمان آن " بخش از رجال سیاسی آمریکا که درحمایت از شاه دچاردید ونگرانی شده اند " و بادست افسرانی ازقشار بختیار درکوشه شما طنین می افکند . این مردمان که خود از انقلاب کبیر ما و دشمن انقلاب اند ، آنهاکه به توده های مردم و به طبقه کارگر ایران پشت کرده اند تاچارتنها خود را بربخشی ازبورژوازی وابسته به امپریالیسم متکی دارند ، نه دفاع از منافع آنها برمیخیزند وامید دارند درازای این خدمت پس از کودتا ، کودتاچیان به آنها و شوروی روی خوش نشان دهند و راهی برای آنها باز شود تا بتوانند بالاخره وظیفه شوم و ننگینی را که برعهده گرفته اند انجام دهند واین وظیفه همان وظیفه " شاهنشاه " است ستهاد رجال سوسیال امپریالیسم روس . دراین میان " جبهه " ضد دیکتاتوری " که درآن " نیروهای مخالف رژیم " باشد شرکت جویند فقط جاشنی موضوع است .

کدام نیروهای ملی و مترقی مخالف رژیم ، کدام کارگر ، دهقان و روشنفکر میهن پرستی است که بخاطرحفظ منافع بخشی ازبورژوازی ایرانی وابسته به امپریالیسم و بخشی از رجال آمریکا که پشت سرآن است درجبهه ای بارویزیونیستها که سرشان باتزارهای کرملین بسته است شرکت جوید ؟ چنین جبهه ای از هرسوکه بنگری انتساب اسارت و مردگی است .

نه . آقایان رویزیونیست ، خلق های ایران و درپیشاپیش آنها طبقه کارگرایران مبارزه تمیکند برای آنکه سلطنت راحفظ کنند و اختیارخود را بدست بخشی از همین بورژوازی وابسته به امپریالیسم آمریکا بسپارند ، مبارزه میکنند برای آنکه شما نوکران سوسیال امپریالیسم را برایران مسلط سازند که عنان مملکت وخلق را بدست نزارهای کرملین بسپارند .

برای خلق های ایران اودرپیشاپیش آنها طبقه کارگر ، انقلاب ایران پس از یک مرحله دارد که طی آن ناگزیر باید رژیم شاه ، همه طبقه حاکم وابسته به امپریالیسم و امپریالیست های حامی این رژیم از صحنه ایران نابود گردانند وخلق سرنوشت خود را خود بدست گیرد وچنین است هدف مبارزه توده های مردم ایران و نیروهای مخالف رژیم وآنها بدان نزدیک تر و نزدیک تر به این هدف دست خواهند یافت .

مبادلات و ... بقیه ازصفحه ۱

جمله همه نیروهای خارج ازکشور اضافه میشود . بهمین اجهت است که بموازات کاهش صادرات ایران ، واردات ازخارج قوس صعودی عجیبی می پیماید ونظام همه کشورها را بازدرآمد نفت نسبی میدهد برای آنکه پشتیبانی آنها را ازرژیم و رژیمی که لازم است همکاری آنها را بازیم جلب کند . بیهوده نیست که کشورسوئد ، همان کشوری که درآن دادگاه جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام تشکیل شد بخاطرچهار دانشجوی ایرانی اخراج شده ازفرانسه مکران است ، نگران است که نکند به منافع اودرایران لطمه وارد آید . بیهوده نیست که کشورسوئد وقتی فعالیت ساواک درآن برملا شد بدستورمقامات ایران برآن شد تاعامل دیگر بخش باچیزی آنرا عضب بنشیند وصادرات سوئد به ایران زیان بیند ، بیهوده نیست که زیسکارد ستن وزیرکشورفرمود ایرانیان مقیم فرانسه به همکاران شاه و مقامات ساواک بدل شده اند . بیهوده نیست که دولت ترکیه جوانان ایرانی را اینهمه تحت فشار قرارمیدهد .

مبادلات تجارتی ایران باهیچ کشوری حتی متعادل هم نیست ، همیشه واردات برصادرات فزونی دارد . قرارداد مبادله یا پایاپای بااتحاد شوروی نیزازین قانون مستثنی نیست . واین فزونی درموارد به دهها برابر میرسد . قراردادهای تجارتی ایران با کشورهای مختلف همیشه بزیان کشورما وبسود طرف دیگرقرارداد است . " بررسی آمارومبادلات بازرگانی ایران وترکیه نشان میدهد که درحال حاضر بیشتاب عمیقی میان صادرات وواردات ایران و ترکیه وجود دارد بطوری که تنها در طول سال گذشته درمقابل ورود ۲۳۱ میلیون کیلوگالا به ارزش ۶/ ۲ میلیارد ریال ازترکیه ، تنها ۲۰ هزار کیلوگالا به ارزش ۴/۵ میلیون ریال به این کشورصادر شده است " (خواندنیها شماره ۳۰ ، ۱ شهریور ۱۳۵۰) یعنی واردات ایران از ترکیه از لحاظ وزن بیش از شش هزار برابر صادرات ایران به ترکیه و ازلحاظ ارزش نزدیک بنشصد برابر است آلمان فدرال توانسته است ارزش صادرات خود را (به ایران) به ۱۴/ ۶ میلیارد ریال برساند . درهمین مدت صادرات ایران به آلمان بانضمام نفت به ۱/۴ میلیارد ریال رسید " (پیغام امروز ۱۰ مهر ۱۳۵۰) یعنی واردات ایران از آلمان ۱۰/۶ برابر صادرات ایران به آلمان است صادراتی که نفت راهم در برمیگیرد وتقریبا تمام این ۱/۴ میلیارد ریال بهای نفت است وصادرات کالاهای دیگرفقط بخش ناچیزی آنرا تشکیل میدهد .

" درسال گذشته صادرات بریال به ایران ازرشد حیرت انگیزی برابر با ۴۱۷ درصد برخورد اربوده است " .

چندین سال پیش کل واردات ایران فقط شش یا هفت برابر کل صادرات بود . " درسال ۱۳۵۳ ارزش واردات کشور ۱۰/۵۰ برابر ارزش صادرات عیرنفتی گردید (اطلاعات ۳۰ بهمن ۱۳۵۳) ، درسال ۱۳۵۴ این تفاوت تا ۲۰ برابر بالا رفت . اطلاعات مینویسد : " براساس آمارواوراقام منتشرشده ازگمرک ایران ازفروردین ماه تاآذرماه سال جاری (۱۳۵۴) تنها طی نه ماه درمقابل واردات به ارزش ۶۱۱ میلیارد ریال (کمی بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار) فقط ... صادراتی به ارزش ۲۸ میلیارد ریال ازکشور داشته ایم ودرنتیجه میزان واردات بیش از ۲۵ برابر صادرات بوده است " .

هزار و یک طریقه ثروتمند شدن

" رئیس حسابداری کلخوزدکرکره " هفت هم حزب " ، پول مقدارزیادی از بیت المال عمومی اختلاس کرده است . دادگاه محل اورا به هشت سال زندان بااعمال شاقه محکوم کرده است (" پراودا " ، ۷ سپتامبر ۱۹۷۶) .

درجریان تحقیقات معلوم شد که همکاران او و حتی بازرس که برای رسیدگی به حساب او آمده بود یا بااو همدست بوده اند یا به اختلاس او دیده اغماض مینگریسته اند .

وقتی درجامعه ای پول درمقام والائی جای گرفت ، وقتی خروشچف و جانشینان او شعار " ثروتمند شوید ! " سرمشق هدف و وقتی باد سموم ندی برابر ۶۰ تا ۸۰ رویل درماه نمیتوان ثروتمند شد ، ناگزیر برای تحقق شعار " رهبران " باید راههای دیگر برگزید ، آقای پوزین رئیس حسابداری ، راه دستبرد به صندوق را انتخاب کرده بود . چنانکه خانم وزیرفرهنگ سابق شوروی ، سابق پرزیدیوم حزب برای ساختن ویلائی برای دختر خود بیواشکی و بطور نامشروع ازپول و وسائل دولتی استفاده کرد .

ارزندگی . . . بقیه ازصفحه ۳ ودر ۸۰۰ متری این تنها چشمه آب قراجه اقدام بزدن چاه می نماید ، طبق تجربه پیک دهقانان محل ازنقاط دیگری که بوسیله زدن چاه های عمیق داشتند حطررا بقوبت حس کردند ومی دانستند اگرقنوات الی محل موفق شود چاه عمیق زند دیگر کارآب چشمه تمام است واین تنها چشمه ایکه زندگی اهالی سه ده مزبوربدان وابسته است ، در نتیجه دهقانان ده قراجه درتابستان امسال شبانه حمله بمحل چاه کرده چاه رابا سنگ و خاک پرمیکنند وبعد ازاین واقعه زائد آرم شبانه حمله بده کرده ۱۰ نفرازجوانان ده رادستگیر میکنند وبزاند ارمری محل میبرند وبعد ازآن آنها را تحویل زندان شهربجنورد میدهند وهم اکنون نیز همه این افراد در زندان بسرمیبرند ، ولی والدین دستگیرشدگان همگی بدادسرا رفته دادستان شکایت میکنند ودرخواست آزادی فوری فرزند انشان میکنند ولی دادستان ، بدفاع ازمالک پرداخته ووالدین زندانیان را تهدید میکند ، مالک نه فقط بوسیله دادستان پشتیبانی میشود بلکه فرمانداری شهرنیز علنا بدفاع ازوی برخاسته است .

شکوفه هائی . . . بقیه ازصفحه ۱ صد هاوصد ها بارسیده ارزش داشت تادرازای کشتن چند جاسوس پست درپست دریکوری دلیرانه ولی مبهم دامه بانیروهای فهرمانه رژیم دربای شوند " . اما رفقای جریک بدون توجه به تئوری ، بدون توجه به پراتیک وتجربه بدون توجه به واقعیت پیرحوم راند بوارمیکوشند ولجوجانه درراه که درپیش گرفته اند اصرار ورزند .

سازمان ماراسیتوان به مخالفت نامبارزه مسلح متهم ساخت . ما ازهمان روزیکه این سازمان به تبلیغ مبارزه مسلح پرداخته ایم ، لزوم تدارک آن وضرورت آنرا بمثابه راه سل به قدرت سیاسی بطورمستمرباد آورشده ایم . راه مبارزه مسلح و سازمان ما ، راه حزب طبقه کارگر ، راه آزادی خلق های ایران است . راه جریکی اگرچه درتیوری مسلح است ولی راه مسلح مبارزه پیروزمند نیست . رفقای جریک هرچه زود ترخود آیند هرچه زود تراین سراغه هارا رهاکنند و درکنارهمه مبارزه کنند ، شاهراهی که اگرچه پوشیده ازموانع و مشکلات ولی پیروزی درپایان آن نمایان است ـ به انقلاب ایران ، به برچیدن بساط دشمنان خلق یاری رسانیده اند .

مادرعین اینکه ازحصائل انقلابی جریکهای فهرمان ایران الهام میگیریم و میآموزیم ولی هرگزنه راه آنها نخواهیم رفت . این راه طبقه کارگرایران نیست .

نام فهرمانان شهید زنده وجاودان است .

خصوصیت مبادلات تجارتی ایران اینست که واردات با سرعت شگفتی بالا میرود درحالی که صادرات همواره قوس نزولی می پیماید . شاهی کمتیاد رچشم ندارد همین چند ی پیش ازسر ریاکفت که به مردم دروغ نباید گفت . اماخود اوعلی رغم این واقعیات سرسخت وغم انگیز وعده " دروغ صادرات ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلاری میدهد . این بی حیاعمدتا هم خیال میکند که دروغ های اودرایران وجهان خریدار دارد !

اطلاعیه . . . بقیه از صفحه ۴

علیه سیاست و ایدئولوژی بورژوازی بویژه علیه رویزیونیسم آن بدست میاید .

هردو هیئت نمایندگی برآنند که کنگره هفتم حزب کارآلبانی یک واقعه مهم تاریخی است نه تنها برای آیده درخشان آلبانی سوسیالیست بلکه برای تمام جنبش مارکسیستی ـ لنینیستی جهان . در اوضاع و احوال کنونی گزارش رفیق انورخوجه به کنگره بدست آورد بزرگی است در مبارزه میان مارکسیسم ـ لنینیسم واقعی و رویزیونیسم نقاب دار . این گزارش انترناسیونالیسم پرولتری را که هیچ حزب مارکسیست ـ لنینیست واقعی نمیتواند از آن روی گرداند در مقام والائی قرار میدهد و از این جهت سهم پرارزشی است در وحدت رزمنده احزاب مارکسیست ـ لنینیست واقعی وحدتی که شرط اساسی پیشرفت انقلاب در تمام قاره ها است .

حزب کمونیست انقلابی شیلی و سازمان توفان وظیفه خود میشمارند که در مبارزه ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی از یکدیگر پشتیبانی کنند و بار دیگر اعلام میدارند که بکانه راه نیل به آزادی واقعی خلق ها مبارزه مسلح توده های طولانی است که تحت رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست ـ لنینیست آن انجام میگیرد . بدون یک رهبری سیاسی صحیح و یک جبهه وسیع توده ای ، بدون یک ارتش توده ای خلق ها چیزی بدست نخواهند آورد .

زنده باد مبارزات خلق های شیلی و ایران !

زنده باد وحدت مارکسیست ـ لنینیست ها !

نشریات جدید توفان

نشریه شماره ۴۸ : وضع بین المللی و جنبش بین المللی مارکسیستی ـ لنینیستی . اثر رفیق انورخوجه بها : معادل ۴۰ ریال

نشریه شماره ۴۹ : دو اثر از استالین . بها : معادل ۱۰ ریال

فهرست نشریات توفان ـ تا آذر ۱۳۵۵

شاه وخرید اسلحه . بقیه از صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا میتواند یکاز اوفتد ؟ همه کس میداند که شاه بارها در مصاحبات مطبوعاتی خود صریحا اعتراف کرده که سیاست رژیم بوابسته به امپریالیسم آمریکا کاملا منافع خود را در ایران و در منطقه خلیج فارس و رژیم شاه ، واکنشی است و سیاست مستقل شاه چیزی جز سیاست مستقل آمریکا در منطقه نیست و نمیتواند باشد ، سیاستی که کاملا با منافع امپریالیسم میخواند . هدف این سیاست تا غارت ثروتهای مادی و انسانی خلیج فارس است از طریق سرکوبی نیروهای مترقی و انقلابی ، و در عین حال تلاش برای جلوگیری از نفوذ سوسیال ـ امپریالیسم شوروی در این منطقه . کوشش شاه برای ایجاد پیمان دفاعی میان کشورهای ساحلی خلیج فارس بمنظور نیل به این هدف است . امپریالیسم آمریکا برخلاف نوشته روزنامه کیهان " که میخواهد سیاست شاه را مستقل بنمایاند از چنین پیمانی پشتیبانی و آنرا بهمه کشورهای خلیج توصیه میکند و کیسینجر پس از انعقاد قرارداد هفتم اوت در یک مصاحبه مطبوعاتی با حضور وزیر اقتصاد ایران ضمن تجلیل از نقش سازنده ایران در صحنه بین المللی از کشورهای منطقه دعوت کرد که " بخاطر مصالح جهان و مصالح پیشرفت منطقه " با ایران همکاری کنند . ده ها میلیارد دلار پول ایران باضافه کوهی از اسلحه آمریکائی و ده ها هزار کارشناس نظامی آمریکا برای اجرای سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه . از هر سو که بنگری بود یا امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا است . اینست آنچه که مردم میهن ما گویا باید بنامیه " سیاست " مستقل " بستایند !

کیسینجر در مصاحبه مطبوعاتی هفتم اوت برای آنکه مبادا این نکته از یاد برود یا از یکبار دیگر زمود تقویت قدرت " دفاعی " ایران یاد آور شد که سیاست ایران در این زمینه با رانطباق با منافع آمریکا است و آمریکا گویا دلش برای امنیت دیگران میسوزد چون کیسینجر میگوید که آمریکا آرزومند است که کشورها بکوشند تا دفاع خود را خود برعهده گیرند ! انسان واقعا از اینهمه بگرانی آمریکا برای " استقلال " کشورهای دیگر در شگفت می ماند !

اکنون این سئوال مطرح میشود : آیا خریدهای هنگفت اسلحه بخاطر دفاع از ایران است ؟ واقعیات مورد این نظر نیست . هم اکنون ارتش ایران در آنسوی خلیج به سرکوبی خلق ظفار که برای آزادی و استقلال خود بپاخاسته مشغول است . هواپیماهای ارتش ایران پیوسته در آسمان جمهوری توده ای یمن به کار اکتشاف می پردازند و حاکمیت این کشور را نقض میکنند . شاه بارها اعلام داشته است که هرگز استقرار یک نیروی رادیکال را در آنسوی خلیج تحمل نخواهد کرد یا اینکه " ایران مصمم است آنقدر هانیرومند شود که ثبات منطقه را (و نه دفاع ایران را ـ توفان) اگر لازم باشد به تنهائی حفظ و حراست کند " . وانگهی اسلحه های مدرن معمولی : هواپیما ، ناو جنگی ، تانک ، توپ و غیره میتوانند هم برای تجاوز و هم برای دفاع مورد استفاده قرار گیرند . مگر این واقعیت نیست که هواپیما های تدافعی " ارتش ایران پیوسته به مرزهای هوائی یمن جنوبی تجاوز میکنند یا موشک های " دفاعی " ارتش ایران سرزمین ظفار را در هم میکوبند ؟ آیا تجاوز به یمن جنوبی دفاع از مرزهای ایران است ؟ مگر خلق ظفار امنیت ایران را به خطر انداخته یا به ایران تجاوز کرده است ؟

بفرض آنکه تقویت قدرت نظامی شاه را بخاطر دفاع از کشور بدانیم آماده دفاع در برابر کی ؟ بنا به اعتراف شاه و وزیر خارجه اش روابط بسیط دولت ایران با کشورهای همجوار بسیار دوستانه است ، هیچ کشوری ایران را تهدید نمیکند ، قصد حمله و هجوم به ایران را ندارد . البته اتحاد شوروی میتواند تحریکات خود را در زیر لفافه های گوناگون همیشه از سر گیرد . ولی خریدهای میلیاردی اسلحه بیش از آنست که برای جلوگیری از چنین تحریکاتی علیه ایران ضروری است . میماند حمله مستقیم امپریالیسم شوروی که چشم طمع به کشور ما و خلیج فارس دوخته است . شاه خود بارها اعتراف کرده است که در صورت حمله شوروی ارتش ایران قادر نخواهد بود در برابر آن بایستد و لذا تاکتیک جنگی شاه تاکتیک " سرزمین سوخته " است یعنی ارتش ایران در برابر ارتش شوروی عقب می نشیند و بر سر راه خود همه چیز را میسوزاند و نابود میکند . تا سوسیال امپریالیسم با بیابانی " بربهوت " روبرو گردد . اما نتیجه نهائی آن چیست ؟ نتیجه آنست که این " دفاع " سرانجام به اشغال شوروی پایان خواهد یافت . شاه و خانواده ننگینش مانند یدر و قدرش به آغوش امپریالیسم پناه خواهد برد و این خلق ایران است که تحت استیلای امپریالیسم و رخواهد افتاد که اگر شرایط آن و حشتناکتر از شرایط امروز نباشد از آن دست کمی نخواهد داشت .

اما چنانچه نیروی " دفاعی " عظیم ایران مانع شود که شوروی به ایران حمله برد نتیجه اینست که باید سالهای دراز تا زمانی که این رژیم برپا است تحت سلطه امپریالیسم و رژیم خونخوار آفریده اش بسر برد . در هر دو صورت نتیجه ای که برای خلق های ایران حاصل میاید این است که باید در شرایط ترور و وحشت و محروم از آزادی و استقلال زیست کند خواه شاه ، سگ زنجیری امپریالیسم فرمانروای " ممالک محروسه " ایران باشد یا یکی از دو دسته " کمیته " مرکزی فرمانبردار سوسیال امپریالیسم روس .

آیا ارتش ایران اساسا قدرت دفاعی دارد ؟ انباشتن اسلحه بهیچوجه بمعنی افزایش قدرت دفاعی نیست . شاه و سوسیالیستکرانش خیال میکنند که هرکشوری که کوهها اسلحه انباشت بزرگترین قدرت نظامی از آب در میاید و کشوری که حتی قادر نیست برای سیر کردن مردم خود نان و پیاز و سیب زمینی و گوشت فراهم آورد و در زمان صلح از این حیث محتاج کشورهای دیگر است میخواهد بچنین قدرت نظامی جهان شود ! تجربه جنگهای میهنی نشان میدهد که آنچه مهم است اسلحه نیست سربازی است که این اسلحه را علیه دشمن متجاوز بکار میبرد . " در هر نبرد . . . انسان عامل قطعی است " (محمد شیخو) . توده ارتش ایران را کارگران و بویژه دهقانان تشکیل میدهند و اینان آنچنان از رژیم شاه به ستوه آمده اند که آماده اند هر بلائی را آسانی بر زمینی ، پذیرا شوند بشرط آنکه با مرگ رژیم همراه باشد . ارتشی که سرباز آن دارای چنین روحیه ای است کجا در برابر تجاوزی جنگ ؟ فرماندهان عالی رتبه " ارتش فقط در دوران صلح سینه های خود را با پنبه پر میکنند و خود زرق و برق می آویزند چنانکه گوئی از فتح خیبر بازگشته اند ، اما وقتی جنگی درگیر شود اولین کسانی که با رخود را می بندند و پشت بدشمن میکنند همین فرماندهان عالی رتبه " اند . مردم ایران یکبار آنها را در سپتامبر ۱۳۲۰ آزموده اند .

بدینسان هرطور که اوضاع بگردد مردم ایران در زیر سلطه این یا آن ابرقدرت باقی میمانند . تجهید امپریالیست ها از افزایش نیروی " دفاعی " شاه و مخالفت سوسیال امپریالیسم و ارود سته فرمانبردارش با افزایش قدرت نظامی شاه ، هردو ناشی از رقابت دو ابر قدرت برای حفظ و گسترش مناطق نفوذ است : آمریکا برای آنکه سیطره خود را بر منطقه خلیج فارس و ایران همچنان حفظ کند ، شوروی برای آنکه آمریکا را از این منطقه براند و خود جای آنرا بگیرد . برای خلق های ایران فقط یک راه باقی میماند و آن جنگ آزادیبخش علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم تا نیل به آزادی و استقلال کامل است .

از زندگی . . . بقیه از صفحه ۴

با هزینه بخش شد کشان کشان میآوردند . در موقع تعویض در متوجه میشود که این دو را بهیچ نوعی نمیتوانند در زاغه های زاغه بچسبانند چون که در زاغه های زاغه از پیت های حلبی بود که بوسیله آشغال پرشده بود و بالا جبار برای دربایست فکری میکرد در این حین زاندارمری میرسد و او را بجرم اینکه دارد شکایت را عوض میکند بزندان میبرد . او روی چلب مینشیند البته محرم بیچاره باید این درستکین را دوش کشیده تا زاندارمری برود . بالاخره بعد از چند روز موفق به ریاست در میگردد . در جنوب سه ماهی که از زندگی در کارزاغه نشینان که بالغ بر ۱۰۰ زاغه بود میگذرد یک روزی از طرف مامورین شخصی در ولتی و زاندارمری شروع بشمردن زاغه ها میکنند و بهر فامیل زاغه نشین شماره ای می دهند و بعد از ۲ هفته ناگهان ماشین های باری شهرداری و اتوبوس های کهنه ای وارد محل های زاغه نشینان شده طبق شماره زاغه نشینان خانواده های کارگران را سوار ماشین کرده بطرف جاده ری (جاده شاه عبدالعظیم) می برند قبل از بردن بطرف جاده ری البته عده ای از مامورین عالی رتبه شهرداری بازدیدی از زاغه های این ناحیه کرده و با عده ای نیز صحبت کرده بودند و تاسف خورده بودند که این زاغه ها جای زندگی نیست و طبق اوامر شاه بدانها باید در مهرماه که سه ماهی بیشتر نمانده خانه های ساخته شده مدرن بدهند بالاخره بدین نحو و غرض چند روز بیش از هزار فامیل کارگر زاغه نشین را به جاده ری آوردند و در چادرهائی جای دادند و روزهای اول اقامت چند تا تیمسار ارتش آمده با خوش زبانی اعلان کرد که بزودی همگی آپارتمان اوامر ملوکانه صاحبخانه خواهید شد ، کارگران با مقداری شک و تردید وعده وعید جناب تیمسار را قبول کردند . بولدوزرهای شهرداری نیز در عرض ۱۰ روز آن ناحیه را صاف و هموار کردند . وعده های داده که مقاومت کرد و بوسائل خود را سر موعد مقرر از زاغه ها خارج نکرده بودند در بست خالی سوار ماشین های شهرداری کرده زاغه هایشان را با اموال ایشان در جا بولدوزرها کردند .

در این ناحیه سه نوع زاغه وجود داشت : زاغه های حلبی زاغه های پلاستیکی ـ زاغه های کارتنی .

ماه مهر آمد و گذشت نه از سرتیپ ها خبری شد و نه از خانه هائیکه باید کارگران طبق اوامر ملوکانه دریافت میکردند بجای آن سرشماری شروع شد هرکس که از اهالی تهران نبود باید هرچه زود تر این ناحیه را ترک میکرد . زمستان فرارسید و عده زیادی از شدت سرما مریض و تلف شدند در بسته با ضرب و زور پلیس و زاندارم سوار ماشین های شهرداری شده بطرف قزوین برده شده ، بیرون ریخته شدند ، وضع بسیار اسفناکی در این شهرک چادرنشین بوجود آمده بود و کارید انجا رسید که دو نفر کارگر روی خود بنزین ریخته ، در ملاء عام خودشان را آتش زدند بعد از این ماجرا که باعث کشته شدن یک کارگر شد دولت موقتا از تخلیه این چادرها صرفنظر کرد ، بالاخره در نتیجه سرمای زمستان و گرمای تابستان نزدیک بنصف افراد زاغه نشینان ساکن چادرها تلف شدند .

۶۰ تن دهقان دستگیر شده فراجه هنوز هم آزاد نشده اند

بخش "مانه" در شمال شهرستان قرار دارد و دهات بدرانلو فراجه ـ سروان جزء این بخش هستند در این سه ده زارعین زحمت کش مثل دیگر نقاط ایران بکشت زرع مشغولند و زمین های مزروعی و باغات این نواحی بوسیله آب چشمه ای است که در ده فراجه است هم چنین آب این چشمه تنها آبی است که مورد استفاده برای آشامیدن شخص و پاک دادن بدام های خود هستند ولی در این دهات افراد نیمه فئودالی نیز زندگی میکنند که با تمام روسای زاندارمری و بخش داری در ارتباط نزدیک هستند ، اخیرا یکی از نیمه فئودالهای بدرانلو با زدن و بند هائی با مامورین دولتی اجازه زدن چاه عمیقی کسب میکند بقیه در صفحه ۲

عنوان مکاتبات
X DR GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X DR GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

نابود باد دو دشمن بزرگ خلق های جهان : امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم

توفان

شماره ۱۱۳ دوره سوم

دی ۱۳۵۵

ژانویه ۱۹۷۷

اطلاعیه مشترک

حزب کمونیست انقلابی شیلی

و سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

اخیراً میان هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست انقلابی شیلی و نماینده سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ملاقاتی صورت گرفت که در محیط رفاقت و همبستگی کاملی جریان یافت. در مسائل مختلف مربوط به اوضاع در کشور و اوضاع بین‌المللی تبادل نظر بعمل آمد. در تمام مسائل مطروحه اتفاق نظر کامل وجود داشت.

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که دو ابرقدرت آمریکا و اتحاد شوروی دو دشمن بزرگ خلق‌های جهان‌اند و لازم است بر مبارزه با آنها همه نیروها را در همه زمینه‌ها بسیج کرد. اما در شیلی این امپریالیسم آمریکا است که خلق را استثمار میکند و مورد ستم قرار میدهد و در ایران نیز امپریالیسم آمریکا امپریالیسم متفوق است. امپریالیسم آمریکا در هر دو کشور پشتیبان و حامی رژیم‌هائی است که خود بر سر کار گماشته است. از اینرو دشمن عمده خلق‌های هر دو کشور امپریالیسم آمریکا است. معذلک هرگز نباید از پیکار علیه سوسیال امپریالیسم یا رایشتاگ زیرا که خلق‌های ما برای آزادی و استقلال واقعی میرزمند، نه اینکه یک امپریالیسم را با امپریالیسم دیگر جانشین سازند.

مبارزه بخاطر استقلال ملی و علیه سیادت طلبی دو ابرقدرت در سطح جهانی و بویژه تأسیس هماورد خصمین هر دو کشور ایجاب میکند که تمام نیروهائی را که میتوانند با یکدیگر متحد شوند متحد ساخت. اما فقط وقتی میتوان حزب آن با حفظ استقلال سیاسی و سازمانی خود قادر است این مبارزه را بطور پیگیر و تا پیروزی نهائی به پیش برد.

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که در چنین کمونیستی و کارگری رویزیونیسم همچنان خطرعمده است نسبت رویزیونیستی نه تنها به شکست می‌انجامد بلکه خلق‌ها را از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و مادی علیه سلاح میکند و آنها را به ناکامی و تلفات فراوان می‌کشاند. لحوا تسلیم این حقیقت را بخوبی نشان داد حوادثی که رویزیونیست‌ها آنرا همه جهانیان بمثابه نمونه مشخص «راه مسالمت‌آمیز» معرفی کردند. یکبار دیگر این حکم لنینیستی به اثبات رسید که بنابر آن نمیتوان بدون پیکار علیه رویزیونیسم بطور جدی علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کرد.

هر دو هیئت نمایندگی وظیفه خود می‌شمارند که وحدت بزرگ جنبش مارکسیست - لنینیست بین‌المللی را که حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی در راس آن قرار دارند بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت کنند. این وحدت بزرگ فقط در سایه مبارزه مداوم

بقیه در صفحه ۳

شوروی و افزایش بهای نفت

سابقه افزایش بهای نفت توسط کشورهای عضو «اوپک» بازهم فرصتی برای سوسیال امپریالیسم شوروی فراهم آورد که دست به عوامفریبی بزند و پشتیبانی خود را از افزایش بهای نفت از یکسو وجود را از دعد از نیروهای ضد امپریالیست جا بزند و از سوی دیگر خود را حامی خلقهای محروم وستمدیده بنمایاند. اما در واقع سوسیال امپریالیستها ی شوروی از افزایش بهای نفت استقبال و پشتیبانی میکنند زیرا که از این افزایش سود های کلانی میبرند. اتحاد شوروی که اکنون اولین تولید کننده نفت جهان است مقداری از آن را خام یا تصفیه شده به کشورهای غرب اروپا صادر میکند. افزایش بهای نفت به آنها امکان میدهد که ارزود لا رینشتری بدست آورند و نیازمندیهای خود را در زمینه تکنولوژی غرب برطرف سازند. اما افزایش بهای نفت کشورهای صنعتی غرب را با مشکلات اقتصادی تازه‌ای روبرو خواهد کرد و این خود تجاوز شوروی را از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی به غرب آسانتر خواهد نمود. در اینصورت چرا شوروی باید با افزایش بهای نفت مخالف باشد مضافاً باینکه پشتیبانی از افزایش بهای نفت راه را برای تزریق پروپاگاندا و عوامفریبی فراهم میکند.

شاه و خرید اسلحه

شاه که سالها است صدها و صدها میلیون دلار درآمد نفت را به خرید اسلحه از همه نوع و همه رنگ اختصاص داده است و میدهد، بر آنست که قدرت نظامی ایران باید آنچنان افزایش یابد که در زمره پنج کشور نظامی بزرگ جهان قرار گیرد. تمام دستگاه دولتی ایران، تمام مطبوعات مزدور و رژیم و تمام دنیای امپریالیسم خریدهای هنگفت اسلحه و تقویت نیروی نظامی ایران را بمثابه «تقویت نیروی دفاعی کشور در برابر حمله و هجوم دشمن» می‌ستایند و تمجید میکنند. آیا درست است که خریدهای هنگفت اسلحه بمنظور تقویت «بنیه دفاعی کشور» است و اگر چنین است دفاع در برابر کی؟ آیا انباشتن سلاح‌های گوناگون در کشوری بطرا ایران بمعنی افزایش قدرت نظامی است و آیا واقعاً بر اثر انباشتن اسلحه قدرت و کارائی ارتش ایران بالا میرود؟ آیا اساساً خریدهای اسلحه بسود و به مصالح خلق‌های ایران است؟

خرید بی‌شد و بار اسلحه بویژه از زمانی شروع شد که در ماه مه ۱۹۷۲ نیکسون و کیسینجر که در آنزمان مشاور بخصوص رئیس جمهور آمریکا در امور مربوط به امنیت ملی بود، به شاه ایران وعده دادند که هر نوع اسلحه غیر اتمی را که مایل باشد در اختیار او خواهند گذاشت.

افزایش ناگهانی بهای نفت در ۱۹۷۳ برای بلندپروازیهای شاه مبدأ و وسیعی بود فراهم آورد و در ضمن امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیسم‌ها را بر آن داشت که با هر وسیله‌ای و از آنجمله فروش هنگفت اسلحه هر آنچه را که افزایش بهای نفت از دست آنها بیرون میاورد دوباره به کیسه‌های خویش بازگردانند.

از این تاریخ سیل اسلحه است که از آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی به ایران سرازیر شده است، علی‌رغم اینکه کمیسیون امور خارجه سنای آمریکا در سند تنظیمی خود از فروش بحساب اسلحه به ایران ابراز نگرانی کرده است، فروش بحساب اسلحه همچنان ادامه خواهد یافت چون در همین سند آمده است که «نظر جناب سناتور رئیس این کمیسیون» با آنکه تحویل‌های عظیم اسلحه بدون سمت‌گیری سیاسی انجام گرفته است آمریکا اکنون قادر نیست به تحویل اسلحه پایان دهد یا از آن بکاهد یا حتی برنامه تحویل‌های نظامی به ایران را تغییر دهد. در قراردادی که میان آمریکا و ایران در هفتم اوت سال گذشته منعقد گردید در حدود ده میلیارد دلار به خرید اسلحه تعلق میگیرد که در حدود ... میلیارد دلار مبادلات تجارتی نیست. بطبق سند کمیسیون امور خارجه سنای آمریکا از ۱۹۷۲ تا زمانی که قرارداد فوق بسته شد، فروش اسلحه به ایران به ده میلیارد دلار بالغ میگردد. بدین ترتیب فقط ۱۹۷۲ تا اوت ۱۹۷۶ بیست میلیارد دلار از درآمد نفت به مصرف خرید اسلحه از آمریکا رسیده است. اما آمریکا تنها منبع خرید اسلحه ایران نیست. کشورهای امپریالیستی دیگر نیز میلیاردها دلار اسلحه به ایران فروخته‌اند و رقابت آنها با آمریکا نیست. شاه ایران حتی متوسل امپریالیسم شوروی را نیز از درآمد نفت بی‌نصیب نگذاشته است و طبق اطلاعاتی که در دست است بیش از یک میلیارد و صد ملیون دلار اسلحه و مهمات و تجهیزات جنگی از شوروی خریداری شده است. ده‌ها میلیارد دلار برای خرید اسلحه از اقلام مجموعی است. فروش اسلحه به ایران یکی از منابع تقویت امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است.

اما کار خرید اسلحه پایان نمی‌پذیرد. ایران نه بر اسلحه لازم و نه طرفیت صنعتی وفنی لازم را برای بکاربردن و نگاهداری سلاحهای بسیار مدرن تحویلی را ندارد و از اینرو اعزام تکنیسین‌های آمریکائی به ایران ضروری است. در واقع هم آمریکا بدنبال تحویل اسلحه کارشناسان و مستشاران نظامی خود را به ایران گسیل میدارد تا کوبه افراد و افسران ایرانی بکاربردن این سلاح‌ها را بیاموزند. سرزمین ایران اکنون علاوه بر ۲۵ تا ۳۰ هزار کارشناس نظامی آمریکا است علی‌رغم تکذیب‌های نیم بند شاه در ۱۹۷۸ تعداد آنها به ۶۰ هزار تن بالغ خواهد گردید. امپریالیسم آمریکا تاکنون کنترل ارتش و سازمان امنیت را در دست داشته است حالا چند ده هزار مستشار نظامی نیز بر کارشناسان سابق افزوده شده و خواهد شد.

آیا انبوهی از اسلحه آمریکائی و اروپائی همراه با ده‌ها هزار مستشار نظامی آمریکائی در کشوری که مطمح امپریالیستها است و از لحاظ صنعتی وفنی و مهارت نیروی انسانی بسیار ضعیف است، جز در راه تأمین سیادت و مصالح امپریالیسم و بویژه

بقیه در صفحه ۳

از زندگی کارگران و دهقانان

کارگران سیمان

کارخانه سیمان حقیقت در حدود ۴۰۰ کارگر دارد و این کارخانه که در آخر ناحیه آرامشهر قرار دارد یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های سیمان ایران است و از این آواخر ۴ نفر از کارگران آنجا که سابقه بیش از ۲۰ سال کار توی کارخانه را داشته‌اند یکی پس از دیگری بطولی از کارخانه اخراج شدند، برای نمونه شرح حال دو تن یکی از این کارگران که تا سن محرم است میاوریم.

محرم اکنون ۴۰ سال دارد و بگفته خودش از ۲۳ سالگی در این کارخانه شروع بکار کرده است. او میگوید «ما از ماهگی کارگران قدیمی بودیم از ۲ تا ۳ سال پیش متوجه شدیم که مدیریت کارخانه حتی استاد کارهایی جهت از کارهایمان عیوب جوئی کرده و ما را با یک قوی از آرمید هند و صورتبند رفتاری آنها با کارگران تازه اینطور نبود تا اینکه با بهانه‌های خوشاخه در زمستان یکسال ۴۰ نفر از ما کارگران قدیمی بودیم از ۲ تا ۳ سال پیش متوجه شدیم که مدیریت کارخانه حتی استاد کارهایی جهت از کارهایمان عیوب جوئی کرده و ما را با یک قوی از آرمید هند و صورتبند رفتاری آنها با کارگران تازه اینطور نبود تا اینکه با بهانه‌های خوشاخه در زمستان یکسال ۴۰ نفر از ما کارگران قدیمی بودیم رسماً اخراج کردند. محرم بعد از ۷ یا ۸ ماه بیکاری پرداخت ولی اوضاع چند نفر از کارگران اخراجی باداره کار و مقامات مربوطه برای رسیدگی با حراجشان از کارخانه شکایت کردند. البته محرم و رفقایشان از پارتی بازی و از پشتیبانی چند کاسب خیرخواه نیز برخوردار بودند. ولی با تمام این تفاصیل محرم و رفقایش دادگاه را باختند ولی با وجود باختن این دادگاه بدانها توصیه شد که باید مدیریت کارخانه دوباره مذاکره کنند و حتی با یاد رمیانی ما موریت دادگستری مدیریت کارخانه از دو وقتی وارد شد و ظاهر خیلی صمیمی بدانها اظهار داشت اصولاً کارخانه بدانها احتیاج دارد و مدیریت کارخانه و این کارگران با هم همینه تفاهم داشته‌اند و پایان ماموری که برگه اخراجیه آنها را صادر کرده بود فحش و ناسزا گفت و خیلی صمیمانه از کاریکه درباره آنها شده معذرت خواست و بآنها گفت فردا اشتغال مدارکشان را بیاورید تا من ملاحظه کنم و از همین حالا میتوانید شروع بکار کنید. محرم و دیگران از شدت خوشحالی دست بصورت نمایندگی کارخانه را بوسیدند و شادان و خندان از اینکه تازه نتیجه یک دادگاه باخته شده برای برگشت بکار میدیدند. بهرحال بشما گیان در آخر روز ثابت شد که بالاخره ملک آنطور هاهم که تصور میکردند نیست بالاخره قانون دارد و آنطور هم نیست که هرکس براحتی بدیگری زور بگوید، ترس نمایند. کارخانه در نتیجه عمل دادگاهی که آنها حتی محکوم شده بودند دانستند. بهرحال اهمیت دادگاه و دولت و قانون و پشت گرمی بدان را و اقدام رخودخس میکردند محرم و رفقایش تصمیم گرفتند بعد از شروع بکار بسراغ یک یک رفقائی که همین سرنوشت را دارند بروند و از طریق دادگاه و قانون بکارخانه برگردانند.

فردای آنروز محرم و رفقایش هرچه مدارک داشته برداشته روانه کارخانه شدند و تحویل نماینده مهرنام کارخانه دادند بلا فاصله مدارک قدیم که عبارت بود از دفترکارکردهای دیگر پاره شد و یک دفترجدیدی از بشتی کاردنها داده شد. بعد از مطالعه دفترکارجدید معلوم شد که محرم و دیگران به عنوان کارگرجدید استخدام شده‌اند و حقوق ۱۴ تومان بجای حقوق ۱۸ تومان در روز ریاست خواهند کرد. در واقع با یک قلم سابقه ۲۰ و چند سال کار این کارگران حذف شده و حتی دیگر مدرکی هم ندارند که ادعا کنند آنها قبلاً در این کارخانه کارکرده‌اند. محرم اضافه میکند که این اولین بدبختی او نیست. او چنین ادامه میدهد، من و خانواده‌ام از بی خانمانی و کرایه سنگین مشکل چندین سال بود که رنج فراوان میبردیم بالاخره تصمیم گرفتیم بهرترتیب شده در نزدیک ناحیه آرامشهر کمتر یک پارچه نیز هست خانه‌ای تهیه کنیم چونکه عده‌ای از کارگران همکار ما سرهمین عمل را انجام داده بودند و توانسته بودند زاغه‌های آرزاغه‌های ناحیه آرامشهر را خریداری کنند، بالاخره بهر ترتیبی بود ۳۰۰۰ تومان فراهم میشد و زاغه‌ای را که امکان فروش داشت میخرد. محرم و خانواده‌اش با جوشخانی و مجله تمام هرچه داشتند و از هر دری کشیده روانه خانه جدید خود میشوند. اولین مشکل پدید میاید چون زن محرم حامله بود نمی‌تواند براحتی از در تنگ زاغه وارد و یا خارج شود، محرم مجبور میشود بشهر رفته و رکبهای خریداری کرده

بقیه در صفحه ۳

حملات سراسیمه و ارژیم را با تشدید مبارزه روبرو سازیم!

www.iran-archive.com